

از آنجا که بررسی شیوه های انتقادی در این زمینه ضروری به نظر می رسد به عنوان نمونه در این مقاله به بررسی جایگاه نقد سبکی و اصالت سبک - که یکی از شیوه های انتقادی این دوره بوده است - پرداخته ایم تا به این فرضیه برسیم که جایگاه نقد اصالت سبک در نقدهای این دوره چندان قوی نیست لیکن جایگاه بررسی خصایص سبکی آثار ادبی نسبتاً قابل توجه است.

نقد (Criticism) در لغت «تمییز لدارهم و اخراج الزیف»^(۱) یا جدا کردن درهمهای خوب از بد، و سره از ناسره است.^(۲) «معین» در تعریف واژه نقد، مفهوم لغوی و اصطلاحاتی آن را این گونه می آورد:

«نقد naqd جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره، تمییز دادن خوب از بد و آشکار کردن معایب و محاسن سخن و ... نقد ادبی تشخیص معایب و محاسن آثار ادبی است»^(۳)

● دکتر محسن ذوالفقاری

جایگاه نقد سبکی و اصالت سبک در نثر داستانی معاصر ایران

به عنوان مقدمه در آغاز رویکرد نقد سبکی، نقد اصالت سبک و تاریخچه آن را تشریح می کنم سپس به تجزیه و تحلیل این رویکرد انتقادی در نقد داستانی دوره معاصر می پردازم.

در تعریف اصطلاحی نقد و تبیین شیوه های نقد ادبی، محققین به زوایای مختلف نظر داشته اند. گاه نقد به سخن سنجی و سخن شناسی و شناخت ارزش و بهای آثار ادبی تعبیر می شود؛^(۴) گاه محدوده نقد را بسیار وسیع می دانند و آن را هر گونه مقالی درباره ادبیات تعبیر می کنند؛^(۵) و گاه دامنه این واژه را محدود می کنند و آن را مطالعه سبکهای ادبی و تمییز این سبکها می دانند.^(۶) با توجه به اغراض نقد ادبی و با توجه به تعاریف این واژه بهتر آن است نقد را فن تجزیه و تحلیل، تفسیر، ارزیابی و قضاوت درباره آثار ادبی بنامیم. با این هدف که با معرفی محاسن و زیباییهای آثار، نویسندگان را در کارشان ترغیب کنیم و با تشریح معایب و نقایص آنها، ایشان را به رفع آن و نوشتن آثار بهتر تشویق کنیم.

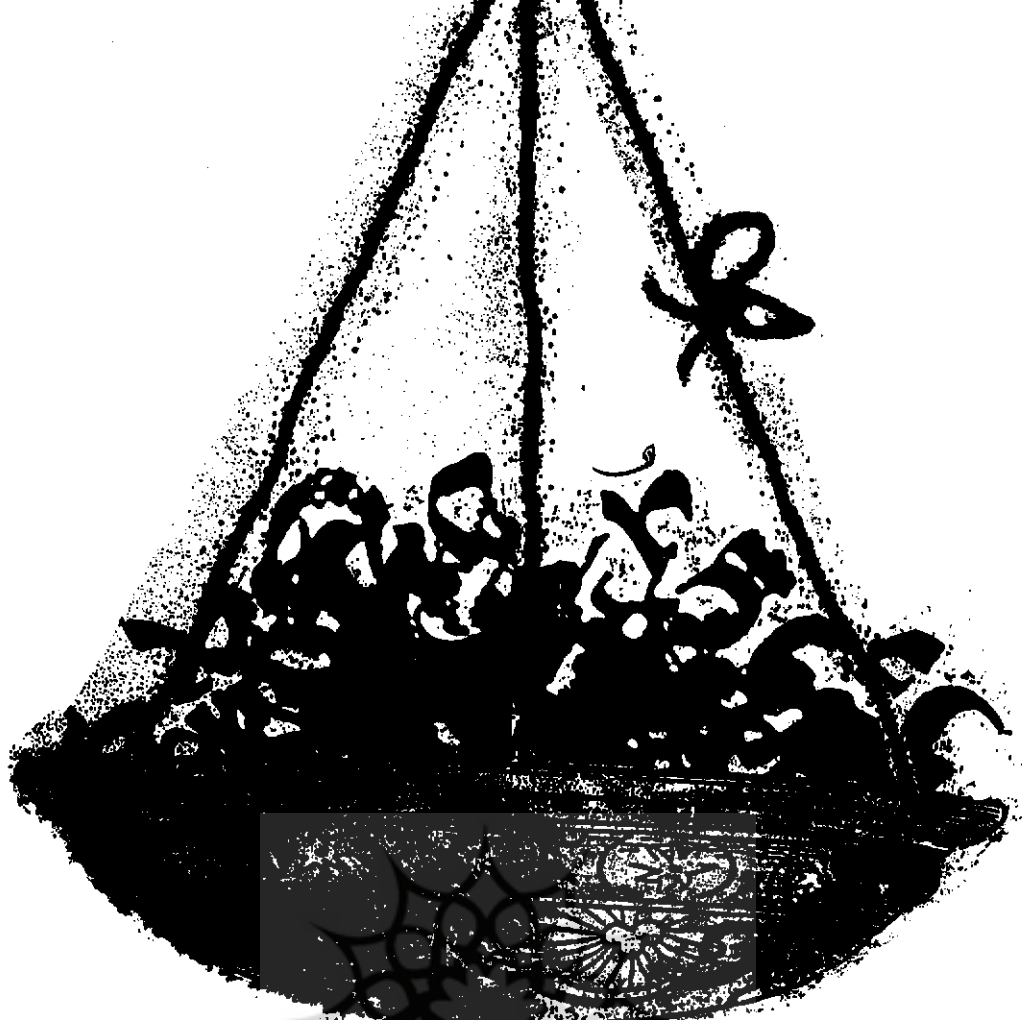
الف) سبک، نقد سبکی و نقد اصالت سبک

یکی از مسائل اساسی در بررسی داستان، نقد سبک شناختی است. منتقد در بررسی و نقد یک داستان تنها به تبیین واژگان، دستور زبان، نکات بلاغی و ... داستان نمی پردازد، بلکه به سبک (STYLE) و شیوه کاربرد این مسائل نیز نظر دارد. آوردن محتوای مطلوب و واژگان زیبا گرچه از مزایای اثر محسوب می شود لیکن کافی نیست. شیوه بیان نیز باید زیبا و مطبوع باشد. در تاریخچه این محور انتقادی آمده است که افلاطون، سبک را کیفیتی دانسته که «در بعضی از آثار وجود دارد یا [وجود] ندارد»؛ او سبک را مجموعه ای از ویژگیها می داند که در نوشته ای جمع می شود و آن را از دیگر نوشته ها متمایز می کند.^(۷)

آنچه از این تعریف برمی آید این است که نه تنها افلاطون اعتقاد به بررسی سبکی آثار ادبی دارد بلکه در بررسی ویژگیهای سبکی به مفهوم نقد اصالت سبک عنایت دارد.

«راهنمای رویکردهای نقد ادبی» درباره محدوده نقد سبکی می گوید: سبک شناسی به معنای مطالعه واژه ها و دستور زبان

در دوره معاصر منتقدین بسیاری ب نقد آثار داستانی پرداخته اند. نظر به اینکه نخستین آثار داستانی در قالب رمان و داستان کوتاه بعد از مشروطه نوشته شده، سابقه نقد داستان در ایران طولانی نیست، لیکن با وجود سابقه تاریخی کوتاه آن، نقد داستان جایگاه مهمی دارد. تأمل در نشریات علمی و ادبی این دوره به ویژه مجلات «سخن»، «راهنمای کتاب»، «نگین»، «پیام نوین»، «اندیشه و هنر»، «علم و زندگی»، «جهان نو»، «انتقاد کتاب» و ... نشان می دهد که نقد داستان، دامنه وسیعی



در اندیشه، اصیل در تصویر و لهجه باشد. (۱۰)

با توجه به برداشت اخیر از سبک جای آن دارد که بررسی انتقادی این گونه را «نقد اصالت سبک» بنامیم. به عبارت دیگر منتقد از زاویه نقد سبکی افزون بر دقت نظر در شیوه بیان اثر و اندیشه‌های حاکم بر آن باید بر اصالت کلام و اندیشه هم توجه داشته باشد و آن را تبیین کند. با توجه به مفهوم اصالت سبک، نویسنده‌ای صاحب سبک است و سبک خوبی دارد که از اطلاعات و فرهنگ لغوی بهره کافی داشته باشد. هر چه قدرت کلام بیشتر باشد، سبک ادبی بهتر خواهد بود زیرا نویسنده مجیز می‌تواند اندیشه‌ها و تصورات خود را به شیوه اصیل بیان نماید. در غیر این صورت صاحب سبک نخواهد بود و مقلدی بیش نیست. بنابراین جهان بینی نویسنده و محتوای اثر نیز یکی از عناصر سازنده سبک است. به عبارتی سبک، جهان نویسنده را نیز انشا می‌کند. میرصادقی در این زمینه می‌نویسد: «سبک نویسنده، درک و قضاوتی را که او از جهان دارد منعکس می‌کند و به کمک آن به این درک و قضاوت، صورتی عینی می‌دهد. (۱۱)

بنابراین از اموری که در بررسی سبکی اثر ضروری به نظر می‌رسد این است که منتقد جهان اثر را نیز بررسی کند تا به سبک نویسنده برسد. در این صورت به جهان اثر، سبک اثر و جهان بینی نویسنده، به طور کاملتر دست خواهد یافت. سبکها با توجه به نام نویسندگان، ادوار تاریخی، زبان، موضوع، مکان جغرافیایی، مخاطبان، اهداف و ... تقسیماتی دارند که به ترتیب

مورد استفاده یک نویسنده نیست بلکه مطالعه روشی است که نویسنده با آن واژه‌ها، دستور زبان و نیز عوامل دیگر را در جمله ... و به طور کلی در متنی به کار می‌گیرد. (۸)

میرصادقی درباره سبک می‌نویسد: «سبک به رسم و طرز بیان اشاره دارد، تدبیر و تمهیدی است که نویسنده در نوشتن به کار می‌گیرد. بدین معنی که انتخاب کلمه، ساختمان دستوری، زبان مجازی، تجانس حروف و دیگر الگوهای صوتی در ایجاد سبک دخیل هستند. آرایش کلمات به طریقی که به سرعت، فردیت نویسنده و فکر و نیت او را بیان کند. (۹)

گذشته از طرز بیان که در این تعریف آمده است گروهی سبک را تنها طرز بیان نمی‌دانند. دکتر مندور در «نقد و ادب» می‌نویسد: «مقصود از سبک تنها چگونگی تألیف از نظر لفظی نیست بلکه مقصود روش کلی نویسنده در کیفیت تألیف، تعبیر، اندیشه و احساس است». (۱۰)

با توجه به تعاریف فوق و نظر صاحب نظران درباره سبک می‌توان نتیجه گرفت که منتقد در نقد سبک شناختی اثر باید افزون بر طرز بیان (آن گونه که اشاره شد) بر اندیشه‌ها و احساسات خاص نویسنده توجه داشته باشد؛ چه بسا اندیشه‌ای که با آن می‌توان نویسنده را شناخت، همان گونه که طرز بیان یک نویسنده ممکن است او را از نویسندگان دیگر متمایز کند. منتقدین تأکید می‌کنند که نویسنده راستین کسی است که همچون دیگران نویسد و «اصیل در نظر، اصیل در کلام، اصیل

می کنیم. بررسیهای انتقادی در این دوره نشان می دهد که منتقدین در نقد سبکی آثار به شیوه کاربرد واژگان، دستور زبان، شیوه نگارش، طرز بیان و زبان آثار توجه داشته اند.

یکی از مهمترین خصایص سبکی که بسیاری از منتقدین بدان

می توان به سبک بیهقی

(مثلاً سبک قرن پنجم)، سبک گزارشی،

سبک فلسفی، سبک خراسانی، سبک عامیانه و سبک احساساتی اشاره کرد.^(۱۳) اما نکاتی که در نقد سبک شناختی منتقد باید بدانها توجه کند و سؤالاتی که باید بدانها پاسخ گوید به طور خلاصه اشاره می شود:

سبک اثر ادبی مورد بحث چیست؟ به عبارتی بهتر، آیا اثر ادبی دارای سبک خاصی هست یا خیر (نظر افلاطونی)؟ آیا سبک اصیل است یا تقلیدی؟ خصایص سبکی اثر از جهت طرز بیان کدامند؟ تفکیک و دسته بندی شود. (نظر ارسطویی) خصایص سبکی اثر از لحاظ کیفیت تألیف، اندیشه ها و احساسات کدامند؟ بررسی و تحلیل شود (نظر ارسطویی).

منتقد باید میان مطالب زبانی مثل مسائل صرفی (واژگان و ترکیبات)، نحوی، نکات دستوری و مسائل بلاغی با شیوه بیان و کاربرد این محورها که بحث سبک شناختی است تفاوت قائل شود.

سخن آخر اینکه «سبک ادبی» با «تکنیک ادبی» تفاوت دارد. نباید این دو را به جای هم به کار برد. تکنیک واژه ای عام است و سبک جزئی از تکنیک به شمار می آید و یکی از عناصر داستان محسوب می شود. میرصادقی می نویسد: «وقتی ما صحبت از تکنیک می کنیم منظورمان همه طریقه هایی است که نویسنده برای ایجاد ساختار ادبی داستان به کار می برد که شامل تنظیم پیرنگ، مفاهیم، شخصیت پردازی، زاویه دید، کاربرد صحنه، ابداع شیوه های تمثیل یا نماد به علاوه «سبک» است. وقتی از «سبک» صحبت می کنیم منظورمان بافت نوشته است که آمیزه ای از زبان (واژگان و نحو) و معنی شناسی (سمانتیک) و موسیقی است.^(۱۴)

ب) نقد سبک و اصالت سبک در دوره معاصر

همان طور که در بحث تعاریف آوردم اگر بخواهیم سبک را به گفته افلاطون کیفیتی بدانیم که در بعضی از آثار وجود دارد و در بعضی آثار نیست، شاید به ندرت بتوانیم خصایصی را در نثر داستانی دوره معاصر استخراج کنیم. شاید اگر در مفهوم سبک توسعاً همچون ارسطو برخورد کنیم بهتر باشد. به عبارتی سبک را محصول عوامل متعددی بدانیم که در نوشته جمع می شود و آن را از نوشته های دیگر متمایز می کند. البته با تأمل در تعریف اخیر و تحقیق در ویژگیهای سبکی نثر داستانی معاصر باز هم به نتیجه قابل توجهی نمی رسیم و نمی توانیم خصایص سبکی را فقط مختص اثر مخصوصی بدانیم، بنابراین در این بحث خصایص سبکی را در نقد نثر معاصر برمی شماریم و دسته بندی

اشاره کرده اند،

«شیوه نگارش» است. کرامت تفنگدار

«ایرادهای جزئی نگارشی در «دختر رعیت» را کلی و اشاره وار گوشزد می کند^(۱۵) (ص ۱۵). دستغیب در «نقد آثار هدایت» به همین نکته اشاره می کند و از سهل انگاریهای هدایت در نگارش به علت اینکه فرصت اصلاح نداشته است سخن می گوید.

سیروس پرهام اسلوب نگارش «مدیر مدرسه» را قابل توجه می داند^(۱۶) (ص ۷۸۰). همین منتقد از سبک نگارش «تپه سبزپوش» به عنوان سبک روزنامه ای، سست، ضعیف و تقلیدی سخن می گوید.^(۱۷) خسرو فتحی نیز سبک نگارش «یکلیا و تنهایی او» را سلیس و روان، مشحون از تشبیهات بدیع و ... می خواند^(۱۸) (ص ۱۳۶). نادر ابراهیمی به غلطهای نگارشی «قرنطینه» اشاره می کند.^(۱۹) ه. پارسا شیوه نگارش «عصر پاییزی» را ساده، روان و مبتنی بر زبان گفت و گو می داند^(۲۰) (ص ۸۴). همین منتقد از پختگی و منانت شیوه نگارش «مردی در قفس» می نویسد و از روی سلیقه، جملات و واژگانی را پیشنهاد می کند^(۲۱) (ص ۸۳). او در نقد «شاهزاده خانم سبزچشم» نگارش اثر را ساده، خالی از تعقید و ناهمواری می داند و معتقد است نویسنده، در سادگی به افراط گراییده است و گاه تعبیرات را تکرار کرده است^(۲۲) (ص ۸۷). حسن نکوروح برترین عنصر نگارشی «شازده احتجاب» را «بهام» ذکر می کند.^(۲۳) جلیل دوستخواه شیوه بیان «شهری چون بهشت» را همان شیوه مجلات مصور هفتگی می داند^(۲۴) (ص ۶۲۹).

در مبحث کلمات، ترکیبات و جملات ویژگیهای سبکی زیر در نقدها آمده است:

عبدالمعلی دستغیب، در نقد آثار هدایت از «کاربرد لغات و اصطلاحات عامیانه» سخن می گوید^(۲۵) (ص ۱۴۷). سیروس پرهام «شوهر آهوخانم» را گنجینه و دایرة المعارفی از ضرب المثلهای عامیانه فارسی می داند^(۲۶) (ص ۹۷۴). ن. ا. به فرم کلاسیک و فولکلوریک «مهرة مار» در داستان «رؤیا» اشاره می کند^(۲۷) (ص ۸۴). جمال زاده این نکته را از ایرادهای «مدیر مدرسه» می داند. سپس خود می افزاید که از ایرادهای «نیش غولی» است^(۲۸) (ص ۱۶۹). ه. پارسا از توفیق نویسنده «نون والقلم» در قصه سرایی عامیانه سخن می گوید^(۲۹) (ص ۷۴).

«تکرار» از ویژگیهای سبکی است که بیشتر در نقد «یوسف کور» بدان اشاره کرده اند. گرچه این ویژگی به عنوان یکی از معایب اثر ذکر شده ولی از آن جا که از خصایص اثر است، به عنوان یک خصیصه سبکی قابل طرح است. آل احمد می گوید: «نویسنده دچار فراموشی شده است و ضمن بیان رویاهای خویش هر مطلب را چند بار تکرار می کند»^(۳۰) (ص ۱۸). تورج رهنما نیز می گوید: «آنچه نظر را خیلی زود جلب می کند افزون بر تکرار صحنه ها، تکرار مطالب و حتی جمله ها و واژه هاست»^(۳۱) (ص ۵۰۴). ه. پارسا نیز در نقد «شاهزاده خانم سبز چشم» به این نکته اشاره می کند که گاه تعبیرها در چند جا تکرار شده است^(۳۲) (ص ۸۷).

از ویژگیهای دیگر سبکی این دوره نوشتن به شیوه «متن مقدس» است که تنها در نقد ا. بامداد بر «یکلیا و تنهایی او» دیده می شود. منتقد در باب سبک انشای اثر می گوید یکدست نیست

«اطناب و کاربرد مکالمات طولانی» به عبارتی «درازنویسی» از ویژگیهای سبکی است که در نقد فریدون آموزگار بر «شوهر آهوخانم»، احمد احمدی بر نقد «افسانه و افسون»، محمود طیاری در جواب نقد «م» بر «کاکا» و عبدالعلی دستغیب بر «شادکامان دره قره سو» دیده می شود.

آموزگار می گوید: چرا گفت و گوهای «شوهر آهوخانم» این قدر طولانی است؟ بعد می افزایش، شاید با توجه به سبک خاص کتاب، راهی جز این نداشته است^(۳۰) (ص ۸۱). او

پیشنهاد می کند اگر گفت و گوهای زاید دور ریخته شود، سبک

ایشان بهترین سبک برای نوشتن داستان خواهد بود.

دکتر احمد احمدی می گوید: از نقیصه های «افسانه و افسون» این است که کاربرد مکالمات طولانی گاه از حد متعارف بیشتر شده است^(۳۱) (ص ۵۳۴). محمود طیاری در جوابیه نقد «کاکا» ضمن اینکه توهین می کند، ناهماهنگی «کاکا» را در اطناب و ابجاز نمی پذیرد و می گوید سخن «م» «بسیار مبتذل» است^(۳۲) (ص ۱۱).

«کاربرد واژگان عربی و اروپایی» یکی دیگر از خصایص سبکی است که در نقد بعضی از آثار دیده می شود. ن. ا. در نقد «قصه های کوچک» می گوید نویسنده در کاربرد واژگان عربی به افراط گراییده است. منتقد این خصیصه را از معایب اثر می داند^(۳۳) (ص ۸۷). عبدالعلی دستغیب در نقد آثار هدایت از آشنایی نویسنده به زبان فرانسه سخن می گوید و می افزاید که نشانه های این آشنایی را در آثار او می توان دید، ولی شاهد نمی آورد^(۳۴) (ص ۱۴۹).

«توصیف» از ویژگیهای دیگر است که در نقد دستغیب بر آثار جمال زاده، آثار هدایت و دختر رعیت، ن. ا. بر «قصه های کوچک»، در نقد تنکابنی بر «چشمهای من خسته» خسرو فتحی و پروفیسور پیرایوری بر «یکلیا و تنهایی او» دیده می شود.

فتحی اثر را شاعرانه و مشحون از تشبیهات و توصیفات بدیع می داند^(۳۵) (ص ۱۴۰). دستغیب تصاویر و توصیفات «صحرائی محشر» را شاعرانه می خواند^(۳۶) (ص ۱۱۰). او درباره دو صحنه از «دختر رعیت» می گوید که

خوب نقاشی شده است،

سپس شواهدی برای وصف می آورد^(۳۷) (ص ۱۷۴ و ۸۰).

ن. ا. توصیفات «شریفجان» را زاید می داند^(۳۸) (ص ۸۷). دستغیب از عالیترین نمونه های وصف در آثار هدایت سخن می گوید که «جادو کرده است»^(۳۹) (ص ۱۵۷).



- و به طور کلی به موفقیت نینجامیده است ولی در بخشهایی از کتاب، این سیاق متون مقدس با قدرت بسیار به چشم می خورد. (۲۳)
- «آوردن کلمات و جملات مقطع و بریده یا درهم شکسته» از ویژگیهای سبکی این دوره است که تنها در نثر آل احمد مشاهده می شود. جمال زاده در نقد «مدیر مدرسه» به این نکته اشاره می کند و درباره این شیوه می گوید «انسان به یاد المعنی فی بطن الشاعر طلاب می افتد» البته منتقد در نقد ترکیبات جدید اثر هم سخن می گوید که نشانگر کم اطلاعی او به دلیل دوری از ایران است (۲۴) (ص ۱۷۰).
- در تحلیل نهایی سبک، با توجه به تعاریف این واژه شاید بتوان «نقد اصالت سبک» را تنها در دو مورد از خصایص سبکی فوق به کار برد. یکی «آوردن جملات و کلمات مقطع» در «مدیر مدرسه» که در نقد جمال زاده بدان اشاره شده است و دیگر «نوشتن به سبک و سیاق متون مقدسه» که در نقداً بامداد بر «یکلیا و تنهایی او» آمده است. بقیه آراء در زمره نقد و بررسی خصایص سبکی قرار می گیرد.
- لازم به تذکر است که بیش از سی درصد از نقدهای دوره معاصر به خصیصه سبکی و شیوه بیان توجه کرده اند. □
- منابع و مآخذ:**
- ۱- ابن منظور، «لسان العرب»، ج ۱۴، بیروت، دارالاحیاء، ذیل واژه نقد، ص ۲۵۴.
 - ۲- نفیسی، علی اکبر، «فرهنگ نفیسی»، ج ۵، ذیل واژه نقد، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۵۵، ص ۳۷۴۹.
 - ۳- معین، محمد، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ذیل واژه نقد.
 - ۴- زرین کوب، عبدالحسین، «آشنایی با نقد ادبی»، تهران، انتشارات سخن، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۲۱.
 - ۵- ولک، رنه، «تاریخ نقد جدید»، ترجمه: سعید ارباب شیرانی، نیلوفر، تهران، جلد اول، ص ۲۱.
 - ۶- مندور، محمد، «در نقد و ادب»، ترجمه دکتر علی شریعتی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، تیر ماه ۱۳۶۰، ص ۲۴.
 - ۷- میرصادقی، میمنت، «واژه نامه هنر شاعری»، تهران، کتاب مهناز، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵.
 - ۸- میهنخواه، زهرا، «راهنمای رویکردهای نقد ادبی»، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۶۹.
 - ۹- میرصادقی، جمال، «عناصر داستان»، تهران، انتشارات شفات، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۳۵۵.
 - ۱۰- مندور، محمد، در نقد و ادب، ص ۲۴.
 - ۱۱- کسمایی، علی اکبر، «نویسندگان پیشگام»، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۷۵.
 - ۱۲- میرصادقی، جمال، «عناصر داستان»، تهران، انتشارات شفا، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۲۵۵.
 - ۱۳- میرصادقی، جمال، همان، ص ۳۵۸.
 - ۱۴- میرصادقی، جمال، همان، ص ۳۶۵.
 - ۱۵- تفنگدار، کرامت، «نقد دختر رعیت»، مجله رودکی، ش ۶۷، خرداد ۱۳۵۶.
 - ۱۶- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار هدایت»، تهران و شیراز، نشر سپهر وزند، چاپ اول، ۱۳۵۵.

- ۱۷- پرهام، سیروس، «تپه سبزپوش»، صدف، ش ۱۱، مهر ۱۳۳۷، صص ۹۹۹-۱۰۰۰.
- ۱۸- فتحی، خسرو، «نقد یکلیا و تنهایی او»، کاوه، مونیخ، بی تا (احتمالاً بعد از ۱۳۴۰) صص ۱۳۶-۱۴۰.
- ۱۹- ابراهیمی، نادر، «نقد قرنطینه»، سخن، دوره هفدهم، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۴۶، صص ۲۱۹-۲۲۴.
- ۲۰- پارسا، هـ، «نقد عصر پاییزی»، پیام نوین، آذر ۱۳۴۰، صص ۸۶-۸۰.
- ۲۱- پارسا، هـ، «نقد مردی در قفس»، پیام نوین، ش ۵، بهمن ۱۳۴۰، صص ۸۳-۸۰.
- ۲۲- پارسا، هـ، «نقد شاهزاده خانم سبز چشم»، پیام نوین، ش ۱۰-۱۰، مرداد ۱۳۴۲، صص ۸۷-۹۰.
- ۲۳- نکوروج، حسن، «نقد شاهزاده احتجاج»، سخن، سال نوزدهم، سال ۱۳۴۸.
- ۲۴- دوستخواه، جلیل، «نقد شهری چون بهشت»، راهنمای کتاب، مهر ۱۳۴۱، صص ۶۳۰-۶۲۸.
- ۲۵- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار صادق هدایت»، سال ۱۳۵۵.
- ۲۶- پرهام، سیروس، «نقد شوهر آهو خانم»، راهنمای کتاب، دی ماه ۱۳۴۰، صص ۹۷۴-۹۷۱.
- ۲۷- ن-ا، «نقد مهره مار»، پیام نوین، ش ۲، سال ۱۳۴۵، صص ۸۵-۸۱.
- ۲۸- جمال زاده سیدمحمدعلی، «نقد مدیر مدرسه»، راهنمای کتاب، سال ۱۳۳۷، ش ۲، صص ۱۶۷-۱۷۸.
- ۲۹- پارسا، هـ، «نقد نون و القلم»، پیام نوین، بهمن ۱۳۴۰، صص ۷۴-۷۷.
- ۳۰- آموزگار، فریدون، «نقد شوهر آهو خانم»، پیام نوین، سال ۴، ۱۳۴۱، صص ۸۵-۷۸.
- ۳۱- احمدی، احمد، «افسانه و افسون»، راهنمای کتاب، سال یازدهم، صص ۵۳۶-۵۳۱.
- ۳۲- طیار، محمود، «جواب نقد کاکا»، بازار رشت، ۲۵ آبان ۱۳۴۶، ش ۹۰۷، ص ۱۲.
- ۳۳- ن-ا، «نقد قصه های کوچک»، پیام نوین، ش ۲، سال ۱۳۴۵، صص ۸۸-۸۶.
- ۳۴- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار هدایت»، سال ۱۳۵۵.
- ۳۵- فتحی، خسرو، «یکلیا و تنهایی او»، کاوه، مونیخ، بی تا، صص ۱۴۰-۱۳۶.
- ۳۶- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار جمال زاده»، سال ۱۳۵۶.
- ۳۷- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار به آذین»، چاپ اول، انتشارات چاپار، تهران، دی ماه ۱۳۵۷.
- ۳۸- ابراهیمی، نادر (ن-ا) «نقد شریفجان»، پیام نوین، آبان-آذر ۱۳۴۴، ش ۹، دوره هفتم، صص ۹۰-۸۵.
- ۳۹- دستغیب، عبدالعلی، «نقد آثار هدایت»، سال ۱۳۵۵.
- ۴۰- آل احمد، جلال، «نقد بوف کور»، هفت مقاله، آذر ۱۳۳۰، صص ۲۸-۱۴.
- ۴۱- رهنما، تورج، «نقد بوف کور»، سخن، دوره ۲۳، ۱۳۵۳، صص ۵۰۶-۴۹۲.
- ۴۲- پارسا، هـ، «نقد شاهزاده خانم سبز چشم»، پیام نوین، ش ۱۰، مرداد ۱۳۴۲، صص ۹۰-۸۷.
- ۴۳- بامداد، ا، «نقد یکلیا و تنهایی او»، اندیشه و هنر، شهریور ۱۳۳۴، ش ۸، صص ۵۳۹-۵۳۵.
- ۴۴- جمال زاده، سیدمحمدعلی، «نقد مدیر مدرسه»، راهنمای کتاب، سال ۱۳۳۷، ش ۲، صص ۱۶۷-۱۷۸.